

الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

محسن اسماعیلی^۱

حمید بالایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۵/۲۱

فصلنامه آفاق امنیت/ سال هشتم / شماره بیست و هفتم - تابستان ۱۳۹۴

چکیده

نظریه‌های امنیت ملی به منظور تأمین امنیت دولت-کشورها در عرصه بین‌الملل ارائه شده‌اند؛ اما ضروری است چارچوب‌بندی آنها در قالب الگوهای راهبردی مد نظر باشد. دیگر آنکه متناسب با الگوهای طراحی‌شده قوانین حوزه امنیت ملی و تأمین آن سامان یابند. مقاله پیش رو با رویکردی حقوقی این دو مسئله را پی می‌گیرد. بدین منظور پنج نظریه مهم امنیت غربی را معرفی کرده‌ایم و در کنار آن برای بیان مؤلفه‌های نظریه امنیت اسلامی غوری در مبانی اندیشه اسلامی داشته‌ایم. پس از آن به بیان انواع الگوهای راهبردی پرداخته‌ایم و با تطبیق الگوها بر نظریه‌ها، الگوی راهبردی هر نظریه را بررسی کرده‌ایم. در ادامه با بررسی سیاست‌های کلی نظام الگوهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی در سال‌های مختلف پس از انقلاب را بررسی و تحلیل کرده‌ایم. آنچه مسلم است حرکت جمهوری اسلامی ایران از نظریه‌های سخت امنیت به نظریه‌های نرم و حرکت از گفتمان غربی تأمین امنیت به گفتمان اسلامی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد تحقق کامل امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در گرو استقرار الگوی جامع تأمین امنیت ملی مبتنی بر اندیشه اسلامی است که به خوبی در سیاست‌های کلی قوانین برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به خصوص سیاست‌های قانون برنامه پنجم نمایان شده است.

واژگان کلیدی

نظریه‌های امنیت، امنیت ملی، الگوی راهبردی، سیاست‌های کلی نظام



مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ کنار یکدیگر و در ساختاری اجتماعی زیسته‌اند و هر جا که ساختاری حاصل آید، با مفهوم برتری و اقتدار همراه خواهد شد. بر این پایه همیشه تحصیل امنیت در ساختار اجتماعی دغدغه انسان‌ها بوده و به بیانی رساتر، داشتن امنیت به نیاز اجتماعی انسان تبدیل شده است. از نظرگاه اسلام نیز در آیات متعددی بر ضرورت وجود امنیت در زندگی اجتماعی تأکید شده و بر همین اساس «امنیت نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم و اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴هـ.ق، ج ۱۲: ۵۳۹). در روایات اسلامی نیز به امنیت به عنوان عاملی که وظیفه حکومت‌ها تأمین حداکثری آن است، اشاره شده است. امیرالمؤمنین - علیه السلام - فلسفه وجودی حکومت را فراهم ساختن امنیت ملی می‌داند که از هر طریقی (به وسیله نیروهای مسلح) باید تأمین شود (شریف الرضی، ۱۳۸۲، خطبه ۴۰ و نامه ۵۳). بر اساس مجموع آموزه‌های اسلامی می‌توان در راستای ضرورت وجود امنیت برای جامعه اسلامی دو اصل کلی را استنتاج کرد: «۱. ارزش امنیت و منزلت حافظان آن؛ ۲. لزوم شدت عمل در برابر آرامش‌ستیزی و برهم‌زدن امنیت» (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۸۳۸). این دو اصل کنار یکدیگر خواهند توانست امنیت زندگی اجتماعی را ایجاد و از وجود آن صیانت کنند. از طرف دیگر «حکومت‌ها برای حفظ نظم عمومی و آرامش اجتماعی ناچار به وضع قواعدی هستند تا با رعایت آنها روابط شهروندان به گونه‌ای تنظیم شود که هرکس بدون ایجاد تهدید برای امتیاز و ارزش‌های دیگران، از امتیازها و ارزش‌های خویش بهره‌گیرد» (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۸۳۸). در راستای تأمین امنیت ملی راهبردهای گوناگونی به کار گرفته می‌شود که از الگویی خاص پیروی می‌کنند و خود را در ساختار کشورها نشان می‌دهند. بر این اساس در این مقاله برآنیم سیاست‌های کلی نظام را که در سال‌های مختلف مبنای عمل تقنینی حاکمیت قرار گرفته است، مطالعه و تحلیل کنیم تا از این طریق جهت‌گیری تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و الگوی به‌کاررفته در آن بعد از انقلاب اسلامی و ساخت نظام جمهوری اسلامی را بررسی کنیم. ضرورت چنین مطالعاتی در حوزه حقوق و امنیت بدان علت است که می‌تواند مبنای تحلیل‌های بعدی برای اتخاذ تدابیر مناسب امنیتی در آینده باشد و جهت‌گیری الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی کشور را سمت و سو بخشد. اما پیش از این بررسی لازم است در محور اول این پژوهش به بیان اقسام الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی بپردازیم تا امکان تحلیل سیاست‌های کلی نظام و



نوع پرداخت امنیت ملی در آنها مشخص شود و پس از آن لازم است با بررسی ماهیت و جایگاه امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام، الگوهای راهبردی به‌کاررفته در آن را تحلیل و توصیف کنیم.

اقسام الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی^۱

در تعریف مقوله امنیت باید به عامل عینی و ذهنی توجه کرد؛ بر این اساس ابتدا «فقدان تهدید یا به حداقل رساندن آن به عنوان عامل عینی، سپس به وجود آوردن احساس ظهور این عامل عینی در جامعه [به عنوان عامل ذهنی] باید لحاظ شود؛ زیرا توهم و تصور ناامنی، ناامن‌ترین شرایط را برای انسان در پی خواهد داشت و بدین ترتیب حتی در صورت نبود هر تهدیدی، امنیت محقق نخواهد شد» (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۸۳۶).

امنیت را می‌توان از دو منظر تعریف کرد: ابتدا به تعریفی ساده از امنیت که از درون گفتمان سلبی بیرون آید اکتفا می‌شود که بر این اساس امنیت عبارت است از «وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت تهدید احتمالی، بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد» (آر.دی، آر، ۱۳۸۹: ۱۲۲). یا باید سراغ تعریف پیچیده‌ای رفت که از درون گفتمان ایجابی بیرون آمده است. «مدیریت راهبردی عبارت است از فرایندی که از طریق آن سازمان‌ها محیط‌های داخلی و خارجی خود را شناسایی کنند و درصدد شناخت عمیق آنها برآیند. علاوه بر آن، مسیر راهبردی خود را پایه‌گذاری کنند و دست به خلق استراتژی‌هایی بزنند تا با به‌کارگیری آنها به اهداف تعیین‌شده سازمان^۲ برسند» (حبیب زاده ملکی، ۱۳۸۳: ۴۵). بر این اساس راهبرد نیز عبارت است از «مجموعه‌ای از انتخاب‌ها که با توجه به محدودیت‌ها و امکانات عالم واقع به قصد نایل شدن به اهداف ترسیم‌شده در سطح واحد تدارک می‌شوند» (علینقی، ۱۳۸۱: ۳۲۳). مهم‌ترین نکته مد نظر در تحلیل راهبردی توجه به «عوامل درونی و بیرونی (محیطی) است که تأثیر عمده‌ای بر آینده سازمان دارند. در جریان تحلیل راهبردی سعی می‌شود تصویری تمام‌نما از عواملی که بر حال و آینده سازمان اثر دارند یا می‌توانند اثر داشته باشند ارائه شود» (آخرین مشاهده، ۱۳۹۱/۴/۳۱،

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: حمید بلایی، الگوی راهبردی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲. از نظر نگارنده، دولت به مثابه بزرگ‌ترین و عالی‌ترین سازمان یک کشور است.

مدیریت راهبردی (<http://fa.wikipedia.org/wiki/>). از این رو در تقسیم‌بندی کلی، الگوهای راهبردی به چهار دسته الگوهای مبتنی بر تحلیل بیرونی، الگوهای مبتنی بر تحلیل درونی، الگوهای مبتنی بر تحلیل ذهنی-جامعه‌شناختی و الگوهای جامع تقسیم بندی می‌شود (برای مطالعه بیشتر رک: Mintzberg, 2001) و از ترکیب آنها با نظریات مختلف تأمین امنیت که همان امنیت منطقه‌ای، امنیتی ساختن، تهاجم دفاع، رهیافت فرهنگ استراتژیک و ایده امنیت مشترک است، الگوهای مختلف تأمین امنیت تصویر می‌شود و با این روش امکان تحلیل سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و توصیف الگوی راهبردی حاکم بر آن تبیین می‌شود.

۱. الگوی راهبردی نظریه امنیت منطقه‌ای

با توجه به آنکه تأکید نظریه امنیت منطقه‌ای بر بازیگران منطقه‌ای در تأمین امنیت ملی است، در این نظریه تأکید بر عامل جغرافیایی و تهدیدهای خارجی در تعیین منطقه امنیتی نقشی بی‌بدیل بازی می‌کند. از این رو توجه به عامل بیرونی در شکل‌دهی به نظریه امنیت ملی در نظریه امنیت منطقه‌ای، محور مباحث این دیدگاه است (خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۸). بر همین اساس در انتخاب الگوی مناسب برای تحقق این نظریه، توجه به الگوهای راهبردی مبتنی بر تحلیل بیرونی دور از انتظار نیست؛ زیرا براساس مکتب قدرت، استراتژی‌سازی حاصل تعاملاتی از قبیل متقاعدسازی، چانه‌زنی و گاهی اوقات مواجهه مستقیم است که به شکل بازی‌های سیاسی میان بازیگران منطقه نمایان می‌شود و از طرف دیگر براساس مکتب محیطی متأثر از این نظریه، محیط منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سازمان دولت است و سازمان دولت در مقابل آن بیشتر متأثر عمل می‌کند.

۲. الگوی راهبردی نظریه امنیتی ساختن

مفهوم امنیت در این نظریه موضوعی بین‌ذهنی و «خودمصدافی»^۱ است؛ بنابراین آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب است (خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). نظریه امنیتی ساختن با روشی تفسیری در معنای مفهوم امنیت معتقد است «مفاهیم علوم اجتماعی برخلاف مفاهیم در علوم طبیعی، خود بخشی از واقعیت‌اند که صرفاً آنها را توضیح می‌دهند؛ [از این رو] معنی یک مفهوم اجتماعی از جمله امنیت



در کارکرد آن نهفته است و چیزی نیست که بتوان آن را به لحاظ تحلیلی یا فلسفی بر اساس آنچه باید بهترین باشد تعریف کرد. در این نظریه، امنیتی ساختن پدیده‌ها پس از طی سه مرحله اتفاق خواهد افتاد. بر این اساس ابتدا ترکیبی از موقعیت اجتماعی و اقدام گفتاری، پدیده امنیتی را به رسمیت شناخته و در مرتبه دوم پدیده امنیتی به عنوان تهدید وجودی شناسانده می‌شود. در مرتبه سوم با پذیرش مخاطب، فرایند امنیتی ساختن به اتمام می‌رسد. از این رو معنای امنیتی ساختن در مکتب کپنهاگ به معنای «خارج کردن یک پدیده از حوزه‌ای عمومی و وارد کردن آن به حوزه‌ای ویژه است». مدل امنیت براساس اجزای امنیت‌ساز در این نظریه در مرحله اول شامل «دو قاعده زبانی- دستوری و زمینه‌ای- اجتماعی» است و در مرحله دوم «به اصل پدیده به عنوان تهدید وجودی» نظر دارد. پیداست که در نظریه امنیتی ساختن توجه به تحلیل ذهنی از مفهوم امنیت به عنوان محوری‌ترین اصل مقوم این نظریه مد نظر قرار گرفته است. این اصل مقوم در تطبیق الگوی راهبردی مناسب آن، ما را به سمت الگوهای مبتنی بر تحلیل ذهنی جامعه‌شناختی رهنمون می‌شود؛ زیرا از یک طرف بر اساس مکتب شناختی، تدوین استراتژی فراگردی شناختی است که در ذهن استراتژیست رخ می‌دهد؛ لذا برای به دست آوردن درکی صحیح از فراگرد تدوین استراتژی باید از روان‌شناسی شناختی بهره گرفت و از طرف دیگر براساس مکتب کارآفرینی «تدوین استراتژی ارتباطی مستقیم با نگرش و خواست رهبر هر سازمان دارد». در واقع رهبر هر سازمان و در اینجا رئیس کشور به عنوان برترین سازمان اجتماعی با نوع گفتمانی که در حوزه امنیتی کردن مسائل حاکم می‌کند، در تدوین استراتژی امنیت ملی نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگر توجه به فرهنگ مخاطب در امنیتی ساختن پدیده، مد نظر مکتب فرهنگی است؛ زیرا در مکتب فرهنگی، شکل‌دهی استراتژی، یک فراگرد تعامل اجتماعی و مبتنی بر اعتقادات و ادراکات مشترک اعضای سازمان است. افراد از طریق فراگرد اجتماعی شدن اعتقادات را به دست می‌آورند.

۳. الگوی راهبردی نظریه تهاجم دفاع

با توجه به جایگاهی ویژه که تکیه بر قدرت در دفع تهدیدها در نظریه تهاجم دفاع دارد، بر توانمندی‌های نظامی به صورت مشخص در تأمین امنیت ملی تأکید می‌شود؛ از این رو «کانون نظریه تهاجم دفاع بر پایه توانمندی‌های نظامی یا به طور مشخص‌تر توانایی انجام مأموریت‌های نظامی استوار است» (Glaser, 1997: 195).



همان‌گونه که بیان شد، مهم‌ترین عنصر سازنده این نظریه توانمندی‌های نظامی در دفع تهدیدهاست و بر همین اساس الگوی این نظریه نیز با توجه به «تغییرات فناوری نظامی» به عنوان عامل نخست شناخته می‌شود. بدان علت که تأکید نظریه تهاجم دفاع در تأمین امنیت ملی بر توانمندی‌های نظامی است، باید در تحلیل الگوی راهبردی متناسب با این نظریه به الگوهای مبتنی بر تحلیل درونی توجه کرد. مهم‌ترین این الگوها مکتب برنامه‌ریزی است که براساس آن استراتژی‌ها، از یک فراگرد کنترل‌شده، آگاهانه و با برنامه‌ریزی رسمی نشأت می‌گیرند؛ بنابراین برنامه‌ریزی دفاعی برای تحصیل امنیت ملی با تأکید بر توانمندسازی نظامی کشور در اولویت نظریه تهاجم دفاع قرار خواهد گرفت.

۴. الگوی راهبردی رهیافت فرهنگ استراتژیک

در تحلیل رهیافت فرهنگ استراتژیک گفته می‌شود «دولت‌های متفاوت، اولویت‌های استراتژیک متفاوتی دارند و چنین اولویت‌هایی به تجارب آنها از زمان شکل‌گیری تاکنون برمی‌گردد و از ویژگی‌های فلسفی، سیاسی، فرهنگی و شناختی دولت و نخبگانش تأثیر می‌پذیرد» (خانی، ۱۳۸۹: ۳۴۱). براساس نظر دسته اول از معتقدان به این رهیافت «فرهنگ استراتژیک روشی برای شناختن عمیق‌تر و دقیق‌تر مسائل امنیت ملی است» (Colin, 1999: 50-1). بر این اساس فرهنگ استراتژیک را هم باید زمینه شکل‌گیری رفتار و هم یکی از مؤلفه‌های آن به حساب آورد. بر اساس این دیدگاه، استراتژی امنیت ملی می‌تواند جوانب زیادی داشته باشد که «یکی از آنها جنبه فرهنگی است. فرهنگ یا فرهنگ‌ها ایجادکننده اندیشه مستمر اجتماعی و نه ابدی، دیدگاه‌ها، سنت‌ها و عادات فکری و روش‌های اقدام‌اند که کم و بیش به جامعه امنیتی خاصی با پیشینه تاریخی مخصوص به خود اعطا می‌کند». در تحلیل الگوی راهبردی تحقق این نظریه نیز با توجه به جایگاه فرهنگ در ساخت امنیت ملی در کشورها، حرکت به سمت استفاده از الگوهای ذهنی جامعه‌شناختی با تأکید بر مکتب فرهنگی، ما را به سمت تحقق رهیافت فرهنگ استراتژیک خواهد برد. در مکتب فرهنگی، فرهنگ غالب مهم‌ترین مؤلفه برای ساخت استراتژی است؛ بنابراین در این مکتب نگرش به نهادهایی که در شکل‌گیری فرهنگ مؤثرند و آن را شکل می‌دهند، بسیار مهم است. از این رو در عرصه بین‌الملل و جایی که تعامل سازمان‌های برتر اجتماعی است، توجه به نهادهای بین‌المللی مؤثر بر این سازمان‌ها از اهمیتی ویژه در



تحصیل امنیت برخوردار خواهد بود. در واقع سازمان‌های بین‌المللی به دنبال ایجاد رهیافت فرهنگی هستند که از طریق آن بتوانند فرایند تعامل اجتماعی مبتنی بر اعتقادات و ادراک‌هایی را که میان اعضای جامعه جهانی به اشتراک گذاشته می‌شود، به هم نزدیک‌تر کنند و با طی فرایند اجتماعی‌سازی یا فرهنگی‌سازی مؤلفه‌های تأمین امنیت به تحصیل امنیت در عرصه بین‌المللی و به تبع آن ملی نائل آیند.

۵. الگوی راهبردی ایده امنیت مشترک

در نظریه ایده امنیت مشترک «تمرکز بنیانی و مرکزی حاکم بر الگوی امنیت مشارکتی است؛ بنابراین همه کشورهای منطقه می‌توانند امنیت نسبی را با پذیرفتن محدودیت‌هایی برای خویش تأمین کنند. در این ایده، تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه با غیرقابل پذیرش کردن گزینش‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است به وجود می‌آید» (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۹۸). در این ایده، امنیت به طور فزاینده‌ای «به منزله ملک مشاع تعریف می‌شود که قابل تقسیم و تبدیل نیست». این رویکرد کشورها را به «دوست و متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند؛ اما تهدیدها علیه همه بازیگران مساوی است و به طور یکسان منافع جمعی را به خطر می‌اندازد. بنابراین همه شرکا خواستار امنیت متقابل‌اند». از این رو توجه کانونی ایده امنیت مشترک به محیط اشتراکی امنیت و نگاه به تهدیدهای منطقه‌ای علیه بازیگران یک منطقه، ما را به سمت انتخاب مکتب محیطی برای تحلیل الگوی استراتژیک این نظریه رهنمون می‌کند؛ زیرا در این مکتب، محیط عامل مؤثر بر دولت‌هاست و برای رسیدن به ایده امنیت مشترک، دولت‌ها باید از خواست‌های مطلق خود در منطقه برای تأمین امنیت مشترک درگذرند.

۶. الگوی تأمین امنیت در اسلام

پس از بیان الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی در غرب، با توجه به ابتدای جمهوری اسلامی ایران بر مبانی اسلامی، نیاز است الگوی راهبردی تأمین امنیت در اسلام نیز مطالعه شود (برای مطالعه تفصیلی رک: بالایی، ۱۳۹۲)؛ از این رو در مجال حاضر اشاره‌ای مختصر به مؤلفه‌های این الگو خواهیم کرد و پس از آن وارد تحلیل قوانین برنامه توسعه در مقایسه با الگوی راهبردی تأمین امنیت خواهیم شد.

جامعه اسلامی با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود نمی‌تواند پیرو نظریه‌های امنیت



ملی غربی شود؛ زیرا ذات آن نظریات برگرفته از اندیشه الحادی و طاغوت‌محور است؛ بنابراین تأکید آنها بر بعد مادی بشر و عامل قدرت در تأمین امنیت، عاملی است که با جوهره اندیشه اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد که محور تأمین امنیت برای جامعه اسلامی را بر ایمان به توحید و پیاده کردن آن در افعال فردی و اجتماعی می‌داند. بر این اساس مؤلفه‌های نظریه امنیت در جامعه اسلامی بدین شرح مد نظر است: «هدف غایی امنیت در اجتماع آرامش امت اسلامی و زمینه‌سازی حرکت تکاملی برای انسان است. حصول این آرامش نیازمند اقدام سلبی و ایجابی مادی و معنوی با هم است. روند سلبی در نفی معنوی طاغوت در اعتقادات و باورها و نفی سلبی تبعات آن در افعال و پیروی‌هاست و روند ایجابی در پذیرش معنوی توحید در اعتقادات و باورها و پذیرش تبعات آن در افعال و پیروی‌هاست. فطرت انسانی نیز توحیدمحور است؛ از این رو مرز جغرافیایی نمی‌تواند تمایلات فطری انسان‌ها را متمایز گرداند». چنین نگرش جامعی به ابعاد امنیت در جامعه و لزوم تأمین آن تنها می‌تواند با الگوی استراتژیک بومی پاسخ یابد و محقق شود. اما شاید بتوان برای رسیدن به الگوی راهبردی بومی تأمین امنیت در جامعه اسلامی از مواد خام الگوهای راهبردی غربی استفاده کرد. بدین منظور می‌توان از همه الگوهای ارائه‌شده و از ویژگی اصلی هر یک از آنها در مراحل مختلف تأمین امنیت جامعه اسلامی استفاده کرد. از این رو توجه به الگوهای بیرونی و لزوم تقابل با اندیشه‌های ضد اسلامی به عنوان عوامل تهدیدزای بیرونی، توجه به ویژگی‌های درونی جامعه اسلامی با تلفیق الگوهای ذهنی جامعه‌شناختی در تربیت توحیدمحور جامعه و سپردن عنان حرکت جامعه به دست ولی فقیه عادل، هریک مؤلفه‌های اصلی الگوهای راهبردی پیش‌گفته را در خود جای خواهد داد. البته در این مجال دنبال ترسیم الگوی راهبردی تأمین امنیت در جامعه اسلامی نیستیم که صحبت در این باره خود مجال مبسوط می‌طلبد.

تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱. ماهیت‌شناسی سیاست‌های کلی نظام

پیش از پرداختن به تبیین الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام، باید به این مسئله توجه کرد که ماهیت حقوقی سیاست‌های کلی نظام چیست و به چه علت الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در آن اهمیت دارد؟ نظر به آنکه این سیاست‌ها برگرفته از جایگاه ولایت فقیه و مستند به اصل ۱۱۰ قانون اساسی



جمهوری اسلامی ایران ابلاغی از سوی مقام رهبری است، باید اشاره کرد که مقام رهبری یا ولی فقیه، مجتهد عادل است که در رأس امور کشور قرار دارد.^۱ بنابراین دستورهای ایشان به دو دلیل اهمیت دارد: نخست آنکه به لحاظ مناصب حقوقی، اداری و اجتماعی در کشور عزل و نصب و امضا و تنفیذ بسیاری از امور به صراحت و بی‌واسطه و سایر موارد با واسطه بر عهده ایشان است. دوم در مقام شخصیتی مذهبی و مجتهد صاحب فتوا محل رجوع عامه است؛ به ویژه دستورها و احکام وی در موارد مرتبط با امور انتظام مورد اهتمام بیشتری است. بدین علت در قانون اساسی اختیارات ویژه‌ای برای این مقام در مقایسه با سایر رهبران کشورها در نظر گرفته شده است که به نظر می‌رسد جایگاه این منبع از منابع حقوق اساسی را در مقایسه با نهادهای مشابه خود در سایر کشورها برتر قرار می‌دهد. بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام برعهده رهبری است و طبیعی است بخشی از این سیاست‌ها با مسائل امنیت ملی ارتباط مستقیم دارد. در شناخت ماهیت سیاست‌های کلی نظام دو دیدگاه کلی وجود دارد که پذیرش هر یک از این دو، آثار و تبعات خاص خود را دارد: «دیدگاهی که ماهیت سیاست‌های کلی نظام را از جنس رهنمود، توصیه و ارشاد می‌داند و معتقد است اساساً سیاست‌گذاری، مقوله‌ای مدیریتی است؛ بنابراین بر این سیاست‌ها اثر حقوقی مترتب نیست. از این منظر حتی نظارت پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی نیز نظارت سیاسی تلقی می‌شود و آثار حقوقی بر آن بار نمی‌شود» (اسماعیلی و طحان‌نظیف، ۱۳۸۷: ۱۱۰). از طرف دیگر و «در مقابل این دیدگاه، آنچه در عمل رخ می‌دهد، براساس دیدگاهی است که این سیاست‌ها را الزام‌آور می‌داند و این نهاد را یک مقوله مدیریتی-حقوقی تلقی می‌کند. از این منظر صواب آن است که بر این سیاست‌ها آثار حقوقی مترتب باشد و نظارت پیش‌بینی‌شده نیز نظارتی حقوقی باشد» (اسماعیلی و طحان‌نظیف، ۱۳۸۷: ۱۱۱). در مجموع به نظر می‌رسد «سیاست‌های کلی نظام، چارچوبی برای قانون و اجرای آن توسط قوای حکومتی مشخص می‌کند که در حدود مفادشان الزام‌آورند؛ به این معنا که براساس مفاد این سیاست‌ها، قوا و نهادهای حکومتی موظف به گام برداشتن در جهت تحقق آنها هستند» (اسماعیلی و طحان‌نظیف، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

۲. جایگاه امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام

پس از بررسی ماهیت و جایگاه سیاست‌های کلی نظام، در راستای تحلیل الگوی راهبردی سیاست‌های کلی نظام در تأمین امنیت ملی ابتدا ضروری است جایگاه امنیت ملی در آن قسمت‌های مرتبط با این موضوع در سیاست‌های کلی استخراج شود که در ادامه بحث می‌شود و پس از آن الگوهای راهبردی این سیاست‌ها تحلیل می‌شود.

الف) امنیت ملی در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران افق حرکت در مسیر دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل را مشخص می‌کند. از این رو توجه به بعد امنیت ملی و تأمین آن نیز در این سند مغفول نمانده است و جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز در بعد امنیت ملی باید چنین ویژگی‌هایی داشته باشد:

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)؛

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. براساس بندهای مرتبط این سند با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه‌های امنیت ملی می‌توان نکاتی را مد نظر قرار داد. رویکرد بازدارندگی تدافعی و در مقابل تهدیدهای سخت در کنار توجه به همبستگی اجتماعی و تأکید بر تأثیرگذاری بر همگرایی اجتماعی سه محوری است که جهت‌گیری راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از نظریات مختلف غربی را جدا می‌سازد. در واقع تأکید بر هویت اسلامی و لزوم دفاع از ارزش‌های مشترک جوامع اسلامی نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراتر از امنیت ملی و به عنوان امنیت امت اسلامی معنا می‌کند؛ هرچند تأکید بر سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد،



نهاد مستحکم خانواده دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب زمینه‌ساز تحقق امنیت امت اسلامی مطلوب است. از این رو آنچه به عنوان افق امنیت ملی جمهوری اسلامی در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده است، فراتر از نظریات امنیت ملی غربی است و نمی‌توان با اتخاذ راهبردهای برگرفته از آن نظریات به تحقق کامل این افق نائل آمد.

ب) امنیت ملی در کلیات سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز

در بخش کلیات سیاست‌های کلی نظام می‌توان مباحث مرتبط با مقوله امنیت ملی را در دو قسمت امور فرهنگی و امور اجتماعی-سیاسی و دفاعی به صورت جداگانه بررسی کرد. وجود چنین جایگاهی برای موضوعات مرتبط با امنیت ملی نشان از توجه به مقوله تأمین امنیت در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی علاوه بر حوزه‌های نظامی و دفاعی دارد. بی‌شک گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در قالب گفتمان‌های سنتی امنیت نمی‌توان دسته‌بندی کرد؛ زیرا بخش عظیمی از توجه سیاست‌های کلی به مقوله‌های فرهنگی-اجتماعی است. در بخش امور فرهنگی کلیات سیاست‌های کلی نظام، توجه به «تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی» در بند اول و همچنین توجه به «پیشبرد راهبرد گفت‌وگوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» در بند چهارم، نشان از آن دارد که اقتدار ملی و تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و فضای بین‌المللی تنها با به روش نظامی به دست نمی‌آید، بلکه تأکید بر گفتمان اندیشه‌ای نظام جمهوری اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد سایر کشورها با ایران و ابرقدرتی آن شود. از طرف دیگر در قسمت امور اجتماعی-سیاسی و دفاعی کلیات این سیاست‌ها و در بندهای زیر، با توجه به مؤلفه‌های داخلی و خارجی و تأکید بر ابعاد مختلف امنیت ملی، سعی بر تنظیم راهبردهایی مناسب برای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است.^۱

ج) سیاست‌های کلی نظام مرتبط با امنیت ملی

سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در محورهای مختلفی دسته‌بندی شده است که کنار هم ابعاد مختلف جمهوری اسلامی ایران را پوشش

می‌دهند. در این مجال با توجه به موضوع مورد بحث، جایگاه امنیت ملی در محورهای مختلف بررسی و سیاست‌های متناسب استخراج شده است. سعی کرده‌ایم ذیل هر یک از این سیاست‌ها توضیحی متناسب بیان کنیم تا از تحلیل این سیاست‌ها کنار یکدیگر، به جایگاه و راهبرد تأمین امنیت ملی در این منبع از منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران دست یابیم.

- سیاست‌های کلی بخش شهرسازی

بند دوم از سیاست‌های کلی بخش شهرسازی مقرر می‌دارد: «تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی با تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی و با رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی، امکانات زیربنایی و الزامات زیست‌محیطی و اقلیمی». شهرسازی از مقوله‌های استراتژیک هر جامعه به شمار می‌رود؛ از این رو نوع مهندسی آن باید به گونه‌ای باشد که عوامل تهدیدزای امنیت در عرصه‌های مختلف فرهنگی و نظامی را به حداقل برساند. توجه به معماری اسلامی و ژئوپلیتیک منطقه در مدل شهرسازی در بسط امنیت اجتماعی بسیار راهگشا خواهد بود.

- سیاست‌های کلی بخش پدافند غیرعامل

پدافند غیرعامل به عنوان یکی از محوری‌ترین عرصه‌های دفاع ملی در قرن ۲۱ مورد توجه فراوان قرار گرفته است. بند یک سیاست‌های کلی بخش پدافند غیرعامل آن را «مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می‌شود» تعریف کرده است و برای حصول آن در بندهای بعد مواردی از جمله «رعایت اصول و ضوابط پدافند غیرعامل از قبیل انتخاب عرصه ایمن، پراکنده‌سازی یا تجمع حسب مورد، حساسیت‌زدایی، اختفا، استتار، فریب دشمن و ایمن‌سازی مراکز جمعیتی و حایز اهمیت به ویژه در طرح‌های آمایش سرزمینی و طرح‌های توسعه آینده کشور، تهیه طرح جامع پدافند غیرعامل در برابر سلاح‌های غیرمتعارف نظیر هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، دو یا چندمنظوره کردن مستحدثات، تأسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره‌گیری پدافندی از طرح‌های عمرانی به ویژه در مناطق مرزی و حساس کشور، فرهنگ‌سازی و آموزش



عمومی در زمینه به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پیش‌بینی مواد درسی در سطوح مختلف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل، حمایت لازم از توسعه فناوری و صنایع مرتبط مورد نیاز کشور در پدافند غیرعامل با تأکید بر طراحی و تولید داخلی، به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدهای نرم‌افزاری و الکترونیکی و سایر تهدیدهای جدید دشمن به منظور حفظ و صیانت از شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مخابراتی و رایانه‌ای» را یادآور می‌شود. امروزه برای سنجش امنیت ملی کشورها یکی از محورها بررسی توانمندی پدافند غیرعامل آن کشور در دفع تهدیدهای مرتبط با خود است.

– سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)

در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات، حفظ حریم امن اطلاعاتی از ضرورت‌های تأمین امنیت ملی است؛ بنابراین در بخش سیاست‌های کلی، امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات به عنوان دو محور اصلی مورد تأکید قرار گرفته است. توجه به «توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با رعایت ملاحظات امنیتی و ارتقای سطح دانش و ظرفیت‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و صنعتی کشور برای تولید علم و فناوری مربوط به امنیت فضای اطلاعاتی و ارتباطی» محورهایی است که با حصول آنها امکان بهره‌برداری از فناوری اطلاعات در فضایی امن‌تر فراهم می‌شود. شایان ذکر است تکنولوژی فناوری اطلاعات همچون فضایی شیشه‌ای است که کشورهای استفاده‌کننده از آن در معرض رصد لحظه به لحظه سازندگان آن قرار دارند. به همین دلیل تکنولوژی‌های مرتبط با فناوری اطلاعات امروزه به عنوان بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی کشورهای غربی عمل می‌کنند.

– سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف

یکی از بزرگ‌ترین راهبردهای کشورهای استعماری در طول قرن‌های گذشته ایجاد وابستگی کشورهای مستعمره به خود از طریق رواج فرهنگ مصرف‌گرایی بوده است که رواج آن باعث زوال امنیت ملی در سطوح مختلف در بلندمدت می‌شود. از همین رو در بخش سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، «اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل‌گرایی و مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و

رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی» و همچنین «مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و ابراز حساسیت عملی در برابر محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی» تأکید شده است. اصلاح الگوی مصرف به عنوان هدفی کلان در سطح ملی نیازمند تعریف راهبردهای اجتماعی- فرهنگی دقیقی است که با حصول آن استقلال ملی و وابسته نبودن به خصوص وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه بسیار کم خواهد شد.

- سیاست‌های کلی شبکه اطلاع‌رسانی

عصر جدید ارتباطات تمام انسان‌ها را در خود فرو برده است؛ از این رو مجالی برای رد پذیرش شبکه‌های اطلاع‌رسانی جمعی باقی نمانده است و از طرف دیگر پذیرش این شبکه‌ها وجهی از سلطه بیگانگان بر منافع ملی و زوال امنیت ملی را در پی خواهد داشت. سیاست‌های کلی شبکه اطلاع‌رسانی برآن است با به کارگیری راهبردهای حقوقی، تدابیری را اعمال کند تا بتواند از این تکنولوژی در راستای تحکیم پایه‌های امنیت کشور و اتحاد کشورهای اسلامی استفاده کند. بنابراین توجه به «ایجاد، ساماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و اعمال تدابیر و نظارت‌های لازم به منظور صیانت از امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جلوگیری از جنبه‌ها و پیامدهای منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی» و همچنین «اقدام مناسب برای دستیابی به میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع‌رسانی با سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی به منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه جهانی» در دو محور این سیاست‌ها تأکید شده است.

- سیاست‌های کلی انرژی

بهره‌مندی از منابع انرژی در عرصه روابط قدرت در صحنه سیاسی بین‌المللی به عنوان یکی از فاکتورهای امنیت ملی کشورها تلقی می‌شود و امکان چانه‌زنی آنها را بالا می‌برد. تکیه بر منابع انرژی توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران جزء کشورهای دارای منابع سرشار انرژی در خاورمیانه است و با درک این واقعیت ذیل سیاست‌های کلی نفت و گاز به لزوم «افزایش ظرفیت تولید صیانت‌شده نفت متناسب با ذخایر موجود و برخورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی، امنیتی و سیاسی» توجه دارد و برای جلوگیری از تبدیل



شدن این عامل امنیت‌ساز به مؤلفه امنیت‌سوز «ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور و استفاده از آن با رعایت مسائل زیست‌محیطی و تلاش برای افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر با اولویت انرژی‌های آبی» را مورد تأکید قرار داده است.

– سیاست‌های کلی بخش حمل و نقل

ارتباط حمل و نقل با مقوله امنیت ملی را می‌توان در وضعیت بحرانی کشور به خوبی درک کرد. لزوم دسترسی به مرزهای خاکی و آبی در اسرع وقت و تأمین امنیت مرزهای کشور از جمله تأثیرات مهم بخش حمل و نقل در تأمین امنیت ملی است. بنابراین در سیاست‌های کلی این بخش نیز «ایجاد نظام جامع حمل و نقل و تنظیم سهم هر یک از زیربخش‌های آن با اولویت دادن به حمل و نقل ریلی و با توجه به ملاحظات اقتصادی، دفاعی و امنیتی» در نظر گرفته شده است.

– سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی مقوله‌ای است که هرچند با واسطه، در تأمین امنیت ملی نقشی عمده دارد؛ از این رو توجه به سیاست‌های امنیت‌زا برای عرصه اقتصاد داخلی بسیار ضروری است. موارد زیر از جمله سیاست‌های کلی نظام برای حصول امنیت اقتصادی است:

۱. حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع؛

۲. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و امور دیگری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.

۳. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی باشند.

۴. نظارت و رسیدگی و قضاوت درباره جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد.

۵. شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در



فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

- سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر

از دهه‌های گذشته دولت‌ها مواد مخدر را به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای سلامت اجتماعی جوامع، جرم شناخته‌اند و در عرصه بین‌الملل نیز اشتراک مساعی برای تعقیب و دستگیری باندهای قاچاق مواد مخدر به صورت گسترده انجام گرفته و مواد مخدر جرم انگاشته شده است. معضلات اجتماعی ناشی از مصرف مواد مخدر در کشورها باعث می‌شود سطح امنیت اجتماعی در مرتبه اول و سطح امنیت ملی در مرتبه بعد به شدت کاهش یابد. از این رو در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی بر «تقویت، توسعه، تجهیز و استفاده فراگیر از امکانات اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و قضایی برای شناسایی و تعقیب و انهدام شبکه‌ها و مقابله با عوامل اصلی داخلی و بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آنها» تأکید شده است.

- سیاست‌های کلی اشتغال

برای کشوری با جمعیت جوان و میزان بیکاری ۲۴ درصد در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال^۱، بیکاری عامل تهدیدزای جدی تلقی می‌شود. در واقع شاید در نگاه اول بیکاری خود تهدیدی برای امنیت ملی نباشد، اما با نگرشی بنیادی‌تر به جد باعث بروز عوامل تهدیدزا خواهد شد. از این رو توجه به «ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی» در سیاست‌های کلی این بخش، بی‌ارتباط با تأمین امنیت ملی نیست و می‌توان آن را در زمره اقدامات ایجابی برای تأمین امنیت ملی دانست.

- سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برنامه‌های توسعه پنج ساله جمهوری اسلامی ایران با هدف رشد و توسعه همه‌جانبه کشور در همه ابعاد طرح‌ریزی شده است؛ بنابراین سیاست‌های کلی حاکم بر آنها زمینه‌ساز جهت‌گیری این برنامه‌ها برای رسیدن به چشم‌انداز مطلوب جمهوری اسلامی ایران است. از این رو توجه به آنها در موضوعات مرتبط با امنیت ملی می‌تواند برای رسیدن به شناختی از الگوی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران راهگشا باشد.

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: <http://www.amar.org.ir>



شایان ذکر است برنامه اول توسعه فاقد سیاست‌های کلی است و در این پژوهش به بررسی مفاد برنامه اکتفا شد؛ اما با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم، پس از بررسی مفاد برنامه‌ها، در بخش قوانین برآنیم به بررسی سیاست‌های کلی حاکم بر آنها در موضوع امنیت ملی پردازیم.

در سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه در بند هفتم «رعایت اولویت در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و غیرزیربنایی با هدف تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و تأمین حداقل نیازهای دفاعی کشور» و توجه به «مشارکت عامه مردم در سازندگی کشور» در بند هشتم با توجه به «حفظ امنیت ملی و ارزش‌های اسلامی» و «تقویت بنیه دفاعی کشور در حد نیاز و در محدوده سیاست‌هایی که اعلام می‌شود» در بند دهم نشان از ضرورت تکمیل نگرش سنتی به مقوله تأمین امنیت و لزوم حرکت به سمت نگرش‌های جدید دارد.

– سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برنامه سوم توسعه با تقسیم‌بندی امور در زمینه‌های مختلف به ابلاغ سیاست‌های کلی متناسب با آن پرداخته است. توجه به مقوله امنیت ملی ذیل امور فرهنگی در این برنامه که «اعتلا و عمق بخشی به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی و تحکیم فکری و علمی ارزش‌های انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه» را ضروری دانسته است، از نقاط قوت این سیاست‌ها در نگرش ایجابی به تأمین امنیت ملی است. از طرف دیگر در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی موارد مختلفی مد نظر است که می‌توان به «آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بلندمدت در برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر اصول [مختلف از جمله] ملاحظات امنیتی و دفاعی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی»^۱ اشاره کرد. توجه به «ثبات در سیاست خارجی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی، ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملی»^۲ و تأکید بر «افزایش

۱. سیاست‌های کلی برنامه سوم بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، بند ۳۰.
۲. همان، بند ۳۱.

اقتدار دفاعی و امنیتی و انتظامی به منظور بازدارندگی و پاسخ‌گویی مؤثر به تهدیدها و تأمین منافع ملی و امنیت عمومی و پشتیبانی از سیاست خارجی و گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه با بهره‌گیری از همه امکانات^۱ نشان از رویکردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای حفظ امنیت ملی و تلاش برای حرکت به سمت ایده‌های تلفیقی در تأمین آن دارد؛ زیرا از طرفی بر دیپلماسی فعال در روابط با کشورهای همسایه و نقش مردم^۲ تکیه دارد که از مؤلفه‌های نظریات امنیت مدرن است و از طرف دیگر «تقویت و توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته»^۳ را در دستور کار خود قرار داده است.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با توجه به حرکت رو به جلوی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌ریزی‌های بیگانگان برای سرکوب آن، تأکید برنامه چهارم به موضوع امنیت ملی در بخش‌های مختلف را بیش از پیش ضروری کرده است. بدین علت در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری این سیاست‌ها «تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی، تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی، مقابله با تهاجم فرهنگی، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور برای افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان»^۴ مورد توجه قرار گرفته است. در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی نیز «تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران، ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور، توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب

۱. همان، بند ۳۲.

۲. همان، بند ۳۶ که بیان می‌دارد: «توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین».

۳. همان، بند ۳۵.

۴. سیاست‌های کلی برنامه چهارم بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری، بندهای ۵-۹.



با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین، تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته، توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرایم و مفسدات اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی و نظامی و توجه جدی در تخصیص منابع به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت^۱ مد نظر قرار گرفته است. در بخش امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی نیز بر «ثبات در سیاست خارجی براساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل^۲» همچون برنامه سوم مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر آن در این برنامه به «تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی، هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی، تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی، تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی^۳» توجه شده است. در نظر گرفتن این امور نشان از سیاست‌های ایجابی در عرصه‌های مختلف برای نیل به امنیت ملی از یک سو و امنیت امت اسلامی در منطقه از سوی دیگر دارد.

– سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های برنامه پنجم توسعه متناسب چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران شاهد تأکید بر حفظ امنیت منطقه از طریق افزایش تعامل کشورهای اسلامی

۱. همان، بندهای ۲۵-۱۹.

۲. همان، امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی، بندهای ۲۸-۲۵.

۳. همان، بندهای ۳۶-۳۱.

و محوریت داشتن جمهوری اسلامی در این زمینه هستیم. از همین رو در بخش امور سیاسی، دفاعی و امنیتی این سیاست‌ها بر اعتلای شأن جمهوری اسلامی ایران از طریق «تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان نظامی، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل، سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی»^۱ تأکید شده است. همچنین حضور «فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در رویه‌های موجود بر اساس ارزش‌های اسلامی که باعث تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی است با تأکید بر تقویت نقش مردم و اطلاعات مردمی در پیشگیری از تحرکات ضد امنیت ملی، تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تأمین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اختلال در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای»^۲ ضروری است.

با این تفصیل مشخص است قانون برنامه پنجم توسعه از یک سو بر نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و از سوی دیگر لزوم بالا رفتن توان داخلی برای ایفای این نقش در منطقه تأکید کرده است. در واقع به نظر می‌رسد جمع مؤلفه‌های درونی و بیرونی نظام برای رسیدن به امنیتی پایدار و توجه به ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی در این مؤلفه‌ها زمینه حرکت به سمت الگویی جامع در راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده است. ناگفته پیداست که تأثیر نگرش ایدئولوژیک نظام بر این راهبرد، آن را از صرف راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خارج کرده و به سمت راهبردی برای تأمین امنیت منطقه که عمده کشورهای اسلامی به عنوان بازیگر آن شناخته می‌شوند، سوق داده است.

۱. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، امور سیاسی، دفاعی و امنیتی، بند ۳۹.
 ۲. همان، بندهای ۴۵-۴۱.



۳. الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام

همان‌طور که پیشتر بیان شد، مقام رهبری یا ولی فقیه در حقوق اساسی ایران مجتهد عادل‌الاست است که در رأس امور کشور قرار دارد. بنابراین دستورهای ایشان از دو جهت اهمیت دارد: نخست آنکه به لحاظ مناصب حقوقی، اداری و اجتماعی در کشور، عزل و نصب و امضا و تنفیذ بسیاری از امور به صراحت و بی‌واسطه و سایر موارد به واسطه برعهده ایشان است. دیگر اینکه به عنوان یک مقام مذهبی و مجتهد صاحب فتوا محل رجوع عامه است. چنین جایگاهی برای رئیس کشور در نظام حقوقی به‌کارگیری الگوی راهبردی شناختی را بسیار ضروری می‌کند، زیرا در مکتب شناختی، استراتژی به شکل دورنما در قالب «مفاهیم، نقشه‌ها، طرح‌ها و چارچوب‌ها» ظاهر می‌شود و تعیین می‌کند که افراد چگونه از منابع ورودی محیط استفاده کنند. در این مکتب، تدوین استراتژی، فراگردی شناختی است که در ذهن استراتژیست رخ می‌دهد و استراتژیست در واقع همان رهبر جامعه است. از این رو توجه به سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به صورت کلی در قالب این الگوی راهبردی قابل دسته‌بندی و بررسی است. ناگفته نماند ماهیت جهت‌گیری شده در سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز برای تأمین امنیت ملی خود تابع مؤلفه‌های دیگری است که لزوم توجه به الگوهای دیگر راهبردی را ضروری می‌نماید. در این مجال با استمداد به بیان اقسام الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی و جایگاه و ماهیت امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام، الگوهای راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام به شرح زیر تحلیل می‌شود.

الف) الگوی راهبردی امنیت ملی در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ همان‌طور که بیان شد، محور اصلی سند چشم‌انداز برای تأمین امنیت ملی، رویکرد بازدارندگی تدافعی و در مقابل تهدیدهای سخت در کنار توجه به همبستگی اجتماعی و تأکید بر تأثیرگذاری بر همگرایی اجتماعی بود؛ از این رو تأکید بر هویت اسلامی و لزوم دفاع از ارزش‌های مشترک جوامع اسلامی، سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب ضروریات تأمین امنیت ملی را شکل می‌داد.

چنین جمعی از مؤلفه‌های مختلف در کنار یکدیگر ضرورت به کارگیری الگوی راهبردی ترکیبی را مشخص می‌کند؛ زیرا از طرفی مؤلفه‌های بیرونی تهدیدزا برای ایجاد تأمین امنیت سخت باید مورد توجه قرار گیرد و از طرف دیگر در نظر گرفتن مؤلفه‌های درونی برای تأمین امنیت نرم جامعه را نشان می‌دهد. ناگفته پیداست سند چشم‌انداز با توجه به اهداف جمهوری اسلامی ایران، تنها بیان‌کننده افق حرکت ۲۰ ساله است و از این حیث الگوی راهبردی مشخصی را پیش‌بینی نکرده است. در واقع رسالت این سند ساخت الگوی راهبردی برای تحقق اهداف بیان‌شده نیست، اما از مختصات اهداف این سند، نوع الگوی مد نظر مشخص می‌شود و انتظار می‌رود در الگوسازی به این سمت حرکت شود.

ب) الگوی راهبردی امنیت ملی در کلیات سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز با توجه به مقوله تأمین امنیت در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی علاوه بر حوزه‌های نظامی و دفاعی در کلیات سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، بی‌شک گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تنها نمی‌تواند در قالب گفتمان‌های سنتی امنیت دسته‌بندی شود؛ زیرا بخش عظیمی از توجه سیاست‌های کلی به مقوله‌های فرهنگی- اجتماعی اختصاص یافته است. بنابراین توجه به مکتب فرهنگی در کنار مکتب برنامه‌ریزی، ضرورتی است که از کلیات این سیاست‌ها استخراج می‌شود؛ زیرا لزوم برنامه‌ریزی برای افزایش توان نظامی درون کشور و توجه به مؤلفه‌های فرهنگی امنیت‌بخش در سطح جامعه به عنوان راهبرد کلی در این کلیات مد نظر قرار گرفته است. بی‌شک پیاده شدن دقیق این الگوها، خود را در قالب سیاست‌های مختلف نظام نمایان خواهد کرد که در قسمت بعد به تفکیک اشاره می‌شود.

ج) سیاست‌های کلی نظام مرتبط با امنیت ملی

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی بخش شهرسازی

توجه به شهرسازی در بخش سیاست‌های کلی و رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست‌محیطی و



اقلیمی در شهرسازی نشان‌دهنده توجه به الگوی راهبردی محیطی در تأمین امنیت ملی است؛ زیرا مؤلفه‌های محیطی در ایجاد شرایط مناسب برای تأمین امنیت، چه امنیت سخت و چه امنیت نرم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و الگوی محیطی به خوبی می‌تواند این مؤلفه‌ها را تفسیر کند.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی بخش پدافند غیرعامل

لزوم حرکت به سمت الگویی جامع برای انجام مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن شود، ضروری است. می‌توان موارد یادشده ذیل سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل را با توجه به این ویژگی، درون الگوی جامع تحلیل کرد؛ زیرا هم مؤلفه‌های درونی و بیرونی و هم مؤلفه‌های سخت و نرم تأمین امنیت مد نظر قرار گرفته است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)

در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات، حفظ حریم امن اطلاعاتی از جمله ضرورت‌های تأمین امنیت ملی است. توجه به «توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با رعایت ملاحظات امنیتی و ارتقای سطح دانش و ظرفیت‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و صنعتی کشور برای تولید علم و فناوری مربوط به امنیت فضای اطلاعاتی و ارتباطی» محورهایی است که با حصول آنها امکان بهره‌برداری از فناوری اطلاعات در فضایی امن‌تر فراهم می‌شود. اما باید یادآور شد که ارتقای دانش ارتباطی و پیچیده شدن فرایندهای آن به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدهای استفاده از این تکنولوژی محسوب می‌شود؛ از این رو توجه به الگوی راهبردی مکتب یادگیری با توجه به ویژگی‌های این مکتب که مؤلفه‌های پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر محیط تأثیرگذار بر سازمان را محور قرار داده، ضروری است. به نظر می‌رسد در راستای امنیت فضایی کلی تولید و تبادل اطلاعات هنوز راهبرد مشخصی اتخاذ نشده و خلأ آن در منابع حقوق اساسی ما مشهود است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف

همان‌طور که اشاره شد، بزرگ‌ترین راهبرد کشورهای استعماری در طول قرن‌های

گذشته ایجاد وابستگی کشورهای مستعمره به خود از طریق رواج فرهنگ مصرف‌گرایی بوده است؛ بنابراین توجه به تقابل با این فرهنگ به عنوان یکی از محورهای سیاست‌های کلی در حوزه امنیت ملی قلمداد می‌شود. با در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی اصلاح الگوی مصرف، توجه به راهبردهای الگوی مکتب فرهنگی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در مکتب فرهنگی عمدتاً به تأثیر پدیده فرهنگ بر حفظ ثبات استراتژیک در سازمان پرداخته شده و در مکتب فرهنگی، شکل‌دهی استراتژی، یک فراگرد تعامل اجتماعی است که مبتنی بر اعتقادات و ادراکات مشترک اعضای سازمان انجام می‌گیرد؛ بنابراین توجه به جنبه‌های اجتماعی اصلاح الگوی مصرف نشان از بروز چنین راهبردهایی در این حوزه دارد.

- الگوی راهبردی سیاست‌های کلی شبکه اطلاع‌رسانی

توجه به «اقدام مناسب برای دستیابی به میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع‌رسانی با سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی به منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه جهانی» در سیاست‌های کلی شبکه اطلاع‌رسانی نشان از جایگاه راهبردی این تکنولوژی در برقراری ارتباط مؤثر برای تأمین امنیت ملی میان دولت‌های منطقه دارد. از این رو راهبرد محیطی نهفته در این سیاست، الگوی مناسبی برای عملیاتی کردن اهداف این سیاست است.

- الگوی راهبردی سیاست‌های کلی انرژی

تکیه بر منابع انرژی توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین «افزایش ظرفیت تولید صیانت‌شده نفت متناسب با ذخایر موجود و برخورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی، امنیتی و سیاسی» نشان از توجه به الگوی راهبردی بر اساس مکتب برنامه‌ریزی دارد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و ملزومات آن در تحقق هدف مذکور را مشخص می‌کند. بی‌شک نفت به عنوان مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران و یکی از مؤلفه‌های درونی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت ملی کشور ایفا کند.



– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی بخش حمل و نقل

لزوم دسترسی به مرزهای خاکی و آبی در اسرع وقت و تأمین امنیت مرزهای کشور از جمله تأثیرات مهم بخش حمل و نقل در تأمین امنیت ملی است. در جمهوری اسلامی ایران با پهنه وسیع و ناهموار در مرزهای جغرافیایی، توجه به حمل و نقل ریلی می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های درونی برای افزایش توان دفاعی باشد. راهبردهای برگرفته از مکتب برنامه‌ریزی ضرورت حرکت به سمت برنامه‌ریزی برای تحقق این امر را نشان می‌دهد.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی مقوله‌ای است که هرچند با واسطه در تأمین امنیت ملی نقشی عمده ایفا می‌کند؛ از این رو توجه به سیاست‌های امنیت‌زا برای عرصه اقتصاد داخلی بسیار ضروری است. امنیت اقتصادی از طریق توجه به منابع درونی و با در نظر گرفتن الگوی راهبردی مکتب برنامه‌ریزی محقق خواهد شد. به نظر می‌رسد الگوی مشخصی در قوانین برای برنامه‌ریزی در حوزه ایجاد امنیت اقتصادی وجود ندارد و سیاست‌های متفاوت در دوره‌های مختلف سیاسی کشور نتوانسته است مؤلفه‌های امنیت اقتصادی مد نظر در سیاست‌های کلی نظام را تحقق بخشد.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر و تأثیر آن در موافقت‌نامه‌های

بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

دولت‌ها در دهه‌های گذشته خرید و فروش، حمل و نگهداری و استفاده از مواد مخدر را به عنوان مهم‌ترین تهدید سلامت اجتماعی جوامع، جرم شناخته شده‌اند و در عرصه بین‌الملل نیز مورد جرم‌انگاری و اشتراک مساعی برای تعقیب و دستگیری باندهای قاچاق مواد مخدر به صورت گسترده قرار گرفته است. در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی بر «تقویت، توسعه، تجهیز و استفاده فراگیر از امکانات اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و قضایی به منظور شناسایی و تعقیب و انهدام شبکه‌ها و مقابله با عوامل اصلی داخلی و بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آنها» تأکید شده است. از آنجا که مبارزه با مواد مخدر یکی از دغدغه‌های مشترک کشورهاست، توجه به ایده امنیت مشترک در مواجهه با این موضوع، به الگوی راهبردی

محیطی به عنوان عامل بیرونی و الگوی راهبردی فرهنگی به عنوان عامل درونی نیازمند است. در معاهدات مختلف دولت با کشورهای منطقه و همچنین کشورهای اروپایی به وضوح اتخاذ راهبردهای محیطی در دفع تهدید بالقوه قاچاق مواد مخدر مشخص است. بنابراین معاهدات منعقدشده با بوسنی و هرزگوین، ایتالیا، جمهوری یونان و عربستان سعودی زمینه راهبردهای محیطی برای تحصیل ایده امنیت مشترک را نشان می‌دهد.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی اشتغال

توجه به «ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی» برای کشوری با جمعیت جوان و میزان بیکاری ۲۴ درصد در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال به وضوح نیازمند استخدام الگوی برنامه‌ریزی برای حل این تهدید درونی امنیت ملی است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

اشاره به «رعایت اولویت در سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و غیرزیربنایی با هدف تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و تأمین حداقل نیازهای دفاعی کشور» و توجه به «مشارکت عامه مردم در سازندگی کشور» در بند هشتم با عنایت به «حفظ امنیت ملی و ارزش‌های اسلامی» و «تقویت بنیه دفاعی کشور در حد نیاز و در محدوده سیاست‌هایی که اعلام می‌گردد» در بند دهم نشان از ضرورت تکمیل نگرش سنتی به مقوله تأمین امنیت و لزوم حرکت به سمت نگرش‌های جدید دارد؛ از این رو در این سیاست‌ها ابتدا توجه به الگوی راهبردی قدرت و برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت سخت جمهوری اسلامی، راهبردی است که در برنامه دوم توسعه و در امتداد تقویت بنیه نظامی پس از جنگ ضروری بوده است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که بیان شد، توجه به مقوله امنیت ملی ذیل امور فرهنگی در این برنامه که «اعتلا و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و علمی



ارزش‌های انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه» را ضروری دانسته است، از جمله نقاط قوت این سیاست‌ها در نگرش ایجابی به تأمین امنیت ملی است. از طرف دیگر در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی موارد مختلفی مد نظر قرار گرفته است که از جمله آنها توجه به «آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بلندمدت در برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر اصول [مختلف از جمله] ملاحظات امنیتی و دفاعی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی» است. تعالی نگاه از برنامه دوم در حوزه تأمین امنیت ملی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این برهه تاریخی را به سمت الگوهای ذهنی جامعه‌شناختی سوق داده است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران – سیاست‌های کلی برنامه چهارم، تثبیت فضای فرهنگی داخلی و حرکت به سمت ابرقدرتی ایران در منطقه را در دستور کار خود قرار داده است؛ از این رو در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری این سیاست‌ها توجه به «تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی – اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی، تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی، مقابله با تهاجم فرهنگی، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان» مورد توجه قرار گرفته است. چنین نگرشی نیازمند پای‌بندی به الگوهای محیطی و یادگیری براساس نظریه ایده فرهنگ استراتژیک است.

– الگوی راهبردی سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران –
در این سیاست‌ها شاهد تأکید بر حفظ امنیت منطقه از طریق افزایش تعامل کشورهای اسلامی و محوریت داشتن جمهوری اسلامی در این زمینه هستیم. بنابراین در بخش



امور سیاسی، دفاعی و امنیتی این سیاست‌ها بر اعتدالی شأن جمهوری اسلامی ایران از طریق «تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان نظامی، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل، سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی» تأکید شده است. در واقع این برنامه باید به تثبیت جایگاه ابرقدرتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و کشورهای اسلامی تحقق بخشد؛ از این رو الگوهای راهبردی محیطی قدرت باید بتواند ایران را از نظر نظامی و فرهنگی در محوریت قرار دهد.

نتیجه‌گیری

اگر نگوییم تأمین امنیت ضرورت زندگی جمعی است، بی‌شک زندگی جمعی در وهله اول، امنیت را به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری تأمین می‌کند. در این راستا نظریات مختلف در باب الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی مطرح شده در سنت فکری غرب را معرفی کردیم و در ادامه به بیان نظرگاه اسلام در این حوزه پرداختیم. توجه تک‌بعدی هر نظریه غربی به مفهوم امنیت و غفلت از حوزه‌های دیگر و رویکرد اسلام به امنیت و بیان حوزه‌های مختلف آن می‌طلبد در راستای تدوین نظریه امنیت اسلامی تلاشی وافر انجام گیرد. ارائه دسته‌بندی چهارگانه از انواع الگوهای راهبردی متناسب با ماهیت هر الگو و بیان مفاهیم نظری هر یک، تحلیلگر چگونگی حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب و استلزامات ضمن حرکت است. بر این اساس تحلیل سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در باب جایگاه امنیت ملی در آن نشان می‌دهد:

۱. امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران متناسب با مبانی اسلامی پذیرفته شده در سیاست‌های کلی نظام و ابتدای حرکت بر اساس آن، در مقامی متفاوت با مبانی امنیت ملی در غرب است؛ از این رو حوزه امنیت ملی به عنوان یکی از حوزه‌های امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مطرح است و توجه به امنیت امت‌های اسلامی



مفهوم امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای وسیع‌تری در مقایسه با دولت کشورهای غربی قرار می‌دهد.

۲. با توجه به مبانی امنیت در جمهوری اسلامی ایران، به طور کلی می‌توان راهبرد سیاست‌های کلی در راستای تأمین امنیت بین‌المللی بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران را در سه دوره جنگ تحمیلی- سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸- تثبیت وضع موجود - سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳- و تعالی وضع موجود - ۱۳۸۳ تا کنون- تقسیم‌بندی کرد.

۳. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی، با شروع جنگ تحمیلی به معنای تهدید سخت امنیت ملی از سوی کشورهای تجاوزطلب، راهبرد امنیت ملی دفاعی جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. این راهبرد با تکیه بر نظریات سنتی امنیت و به کارگیری راهبرد قدرت در راستای دفاع همه‌جانبه از مرزهای کشور برآمده و اجازه تصرف نظامی و از بین رفتن امنیت سخت خود را نداده است.

۴. در دوره دوم و بعد از اتمام جنگ، با ادامه احساس خطر حمله مجدد نظامی، به منظور بالا بردن توان دفاعی و توجه به جایگاه مؤثر مردم در دفاع ملی با تکیه بر نظریه‌های امنیت سخت و زمینه‌سازی برای حرکت به سمت گفتمان‌های جدید امنیت و توجه به جایگاه مردم، تلفیق دو راهبرد برنامه‌ریزی و یادگیری برای تثبیت امنیت ملی کشور مد نظر قرار گرفته است. توجه به بعد دفاعی تجهیزات نظامی و آموزش‌های نظامی برای عموم مردم، مصادیق انجام‌شده در راستای دو راهبرد کلی مذکور است.

۵. در همین دوره تا حدودی زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی برای حرکت به سمت گفتمان‌های جدید امنیت و بسط معنای امنیت مد نظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین در سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ضروری انگاشته می‌شود. توجه به راهبردهای فرهنگی و ذهنی جامعه‌شناختی برای افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و مقابله با تهدیدهای نرم دشمن مجموعه راهبردهای پیش‌بینی‌شده در حقوق اساسی برای تأمین امنیت ملی در این دوره بوده است.

۶. در دوره سوم تلاش برای تعالی وضعیت موجود به عنوان سیاست راهبردی تأمین امنیت بین‌المللی مد نظر قرار گرفته است؛ از این رو در عرصه نظامی، با توجه به مفهوم دفاع مؤثر، تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در تناسب تجهیزات دفاعی با توجه به راهبرد برنامه‌ریزی قدرت دفاعی ایران در منطقه، در جایگاهی متعالی

قرار گرفته است. از طرف دیگر حرکت از گفتمان‌های جدید امنیت به سمت گفتمان امنیت اسلامی برای تعالی جایگاه جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل اسلامی و لزوم توجه به ملت‌های مسلمان منطقه و تأمین امنیت آنها، سیاست‌هایی است که برای تعالی جایگاه جمهوری اسلامی در منطقه متناسب با مبانی نظری آن به کار گرفته شده است. راهبردهایی که می‌تواند این سیاست‌ها را به عرصه عمل برساند، توجه به الگوی راهبردی جامع است؛ زیرا تلفیق عناصر مختلف امنیت‌ساز کنار یکدیگر تنها در الگوهای جامع قابلیت تحقق پیدا خواهد کرد.

در جمع‌بندی نهایی پژوهش حاضر باید گفت سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در سالیان پس از انقلاب اسلامی با توجه به شرایط مختلف دوره‌های تاریخی، سیاست‌هایی مناسب برای تأمین امنیت ملی بوده است و جمهوری اسلامی در تلاش بوده است با به کارگیری الگوهایی به تحقق این سیاست‌ها نائل آید. با توجه به پیچیده‌تر شدن مفهوم امنیت و افزایش تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت‌های طاغوتی، توجه به راهبردهای جامع در تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران ضرورتی انکارناپذیر است و از این رو امید می‌رود پژوهش‌های بنیادین بتواند در ترسیم این الگوها راهگشا باشد.



منابع فارسی

- نهج البلاغه

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۶)، «جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۷.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۹)، «درآمدی بر طرح تدوین «فقه انتظامی» امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، مجله دانش انتظامی، ش ۲ و ۳، تابستان و پاییز.
- اسماعیلی، محسن و طحان نظیف هادی (۱۳۸۷)، «تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله معارف اسلامی و حقوق، ش ۲۸، پاییز و زمستان.
- آر.دی، مک کین لای و آر. (بی‌تا)، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بالایی، حمید (۱۳۹۲)، الگوی راهبردی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب (۱۳۸۳)، «مدیریت راهبردی روابط عمومی»، هنر هشتم، ش ۳، پاییز.
- خانی، عبدالله (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۸۸)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- شریعتمدار جزائری، سیدنورالدین (۱۳۸۵)، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان.
- علینقی، امیرعلی (۱۳۸۱)، «جایگاه امنیت در استراتژی ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۶، تابستان.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۵)، «امنیت در اسلام؛ امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان.
- معین، محمد (۱۳۵۳)، فرهنگ لغات معین، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴ هـ.ق)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.

منابع لاتین

- Gary, Colin, S.(1999), "Strategic Culture as Context: The First Generation of Theory Strikes Back", *Rteview of International Studies*, No. 25.
- Glaser, Charles L. (1997), *Security Dillema Revisited*, Princeton, Pud:World Politics, October.
- Mintzberg, Ahlstrand and Lampel (2001), *Strategy Safari: A Guided Tour Through The Wilds Of Strategic Management*, NewTork, Pub: Free Press.

منابع اینترنتی

- مدیریت راهبردی، آخرین مشاهده: ۱۳۹۱/۴/۳۱، <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

قوانین و مقررات

- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴
- سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- سیاست‌های کلی نظام
- سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کلیات سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز
- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منابع پیشنهادی برای مطالعه تکمیلی

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «بعاد انتظامی امنیت ملی»، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی ناجا.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۵، پاییز.
- افتخاری (الف)، اصغر (۱۳۸۵)، «صورت‌بندی امنیت ملی در حوزه فقه سیاسی»، مجله علوم سیاسی، ش ۳۳، بهار.



- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲، تابستان.
- جالینوسی، احمد (۱۳۸۵)، «تحولات راهبردی در منطقه خلیج فارس، رویکردی سیاسی امنیتی»، فصلنامه دانش سیاسی، ش ۳.
- حیدرخانی، صادق (۱۳۷۲)، «اصول و مفاهیم صورت‌بندی استراتژی سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی»، مجله علمی پژوهشی بسیج، ش ۱، زمستان.
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتمدار جزایری، نورالدین (۱۳۷۹)، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، مجله علوم سیاسی، ش ۹، تابستان.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، «سه نسل و سه گفتمان در فرهنگ استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲، تابستان.
- لیگ، دیوید و مورگان پاتریسک (۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارش و استوکر (۱۳۸۴)، «روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

